

پیوستگی و گسستگی میان نظام فیض و طبیعیات و هیات قدیم

از منظر حکیمان مسلمان

عین الله خادمی

Email: Dr_khademy@yahoo.com

چکیده

نوشته حاضر پیوستگی یا گسستگی میان نظریه نظام فیض و طبیعیات و هیات قدیم را از منظر حکیمان مسلمان مورد پژوهش قرار می‌دهد. در نظریه افلاطون به عنوان مبکر نظریه نظام فیض پیوندی میان نظام فیض و طبیعیات و هیات کهن مشاهده نمی‌شود. در میان حکیمان مسلمان، فارابی میان نظام فیض و طبیعیات و هیات قدیم پیوند وثیقی برقرار، و نظام فیض را به شکل تنهایی تقریر می‌کند. بعد از او ابن سینا، اخوان الصفا، شیخ اشراق و ملاصدرا، مشی فارابی را از جهت برقراری پیوند میان نظام فیض و طبیعیات و هیات قدیم ادامه دادند. ابن سینا نظام فیض را به صورت ثلاثی و رباعی تقریر می‌کند و اخوان الصفا نیز دو نظریه در این باره ارائه می‌کنند. این دیدگاهها تفاوت ماهوی با نظریه فارابی دارد. شیخ اشراق و ملاصدرا با نقد نظریه مشائیان، بر اساس مبانی فلسفی خود نظریه پرداز می‌کنند. ابوالبرکات بغدادی از حکیمان سلف و طباطبایی از حکیمان معاصر - گرچه تفاوت ماهوی جدی میان نظریه آنها درباره نظام فیض وجود دارد - در برابر جنبه موافقان، جنبه جدیدی گشودند و از گسستگی رابطه میان نظام فیض و طبیعیات و هیات قدیم دفاع کردند. **کلید واژه‌ها:** نظام فیض، طبیعیات و هیات قدیم، عقول، افلاک، نفوس، مثال

را از جهت پیوستگی یا گسستگی نظام فیض با هیأت قدیم مورد کنکاش قرار می‌دهیم. از این حیث این نظریه‌ها را می‌توان به دو قسم کلی تقسیم کرد:

- ۱- جنبه موافقان پیوستگی نظام فیض با طبیعیات و هیأت قدیم
- ۲- جنبه موافقان گسستگی نظام فیض با طبیعیات و هیأت قدیم

۱- دیدگاههای موافقان پیوستگی نظام فیض با طبیعیات و هیأت قدیم
 برخی از حکیمان مسلمان طرفدار پیوند و پیوستگی میان نظام فیض و فلکیات کهن‌اند. بدین معنا که در سلسله مراتب طولی که برای نظام فیض ارائه داده‌اند، یک پیوند علی میان سلسله مراتب عقول و افلاک نه گانه برقرار کرده‌اند که هر عقل علت پیدایش یک فلک است. برخی از حکیمان مسلمان مثل فارابی و ابن سینا علاوه بر پیوند طولی میان سلسله مراتب عقول و افلاک نه گانه، کمیت عقول را بر مبنای افلاک نه گانه تعیین کرده‌اند و آنها را به ده عدد منحصر کرده‌اند. برای تبیین این ادعا نظریه برخی از حکیمان مسلمان را مورد کند و کاو قرار می‌دهیم.

۱-۱- فارابی

فارابی در رسائل متعدد فلسفی خویش درباره نظام فیض سخن گفته است. او در کتاب *السیاسة المدنیة* مبادی موجودات را به شش دسته تقسیم می‌کند: ۱- سبب اول در مرتبه اول، ۲- اسباب توانی در مرتبه دوم، ۳- عقل فعال در مرتبه سوم، ۴- نفس در مرتبه چهارم، ۵- صورت در مرتبه پنجم، ۶- ماده در مرتبه ششم (ص ۱۱۲).

او می‌افزاید: مقصود از سبب اول، «الله» است که سبب قریب برای وجود اسباب توانی و وجود عقل فعال است و مراد از اسباب توانی، اسباب وجود اجسام سماوی، یعنی عقول است - که از عقل اول تا عقل نهم را شامل می‌شود - و از بالاترین اسباب توانی (عقول) از حیث رتبه (عقل اول)، آسمان اول، و از پایین‌ترین آنها از حیث رتبه (عقل نهم) کره قمر ایجاد شد و از توانی متوسط هر کدام یک فلک ایجاد شد، پس در مجموع عدد توانی به میزان عدد اجسام سماوی (نه تا) است (ص ۱۱۳-۱۱۴). در مرتبه سوم عقل فعال واقع می‌شود

۱- فارابی، کتاب *السیاسة المدنیة*، ص ۱۱۱، که در ص ۲۲-۲۳

طرح مسأله

حکیمان متأله بر این باورند که خالق و کردگار گیتی از تمام جهات کثرت پاک و منزّه است و از جمیع جهات واحد بسیط است و از سویی فیلسوفان زرف اندیش از دیرباز، در تأقلاّت فلسفی خویش، قاعده جهان شناختی «الواحد لا یصدر عنه الا الواحد» را کشف کردند. براساس تفسیر حدائق این قاعده باید از واجب الوجود که از جمیع جهات واحد است، تنها موجود واحدی صادر شود (ابن سینا، *الاشارات والتبیهات*، ۱۲۲۳-۱۲۵؛ ملاصدرا، *الاستفصار الاربعه*، ۲۰۴۲-۲۰۵؛ لاهیجی، *گومر مراد*، ص ۱۷-۲۲؛ اشعری، *اساس التوحید*، ص ۴۲-۴۴).

از جهتی دیگر همه فیلسوفان - برخلاف عرفا - کثرت را در جهان امری حقیقی تلقی می‌کنند و موجودات منکثر در عالم هستی را به رسمیت می‌شناسند، اما چگونه از موجود واحد این همه موجودات کثیر صادر شده‌اند؟

این پرسش از دیرباز ذهن فیلسوفان را درباره مسائل جهان شناختی به چالش کشانده است و گروهی متماثل بوده‌اند که پاسخی شایسته به این مسأله بایسته فلسفی بدهند. نظریه‌هایی که از سوی حکیمان در پاسخ به این مسأله ارائه شده است، به نام «نظام فیض» موسوم است.

افلوطین به عنوان مبدع نظریه فیض معرفی شده و آرای حکیمان مسلمان درباره نظام فیض متأثر از او بوده است. نظریه نظام فیض مسائل مختلف تاریخی، معرفت شناختی، جهان شناختی و... به میان آورده است. در این پژوهش درباره این نظریه از این حیث مطالعه می‌شود که آیا براساس همه نظریه‌های ارائه شده از سوی حکیمان مسلمان پیوند وثیقی میان این نظریه‌ها و فلکیات قدیم وجود دارد؟ یا در برخی از این نظریه‌ها چنین پیوستگی را شاهدیم و در برخی دیگر شاهد گسستگی ایم. در نظریه کدام فیلسوف شاهد پیوستگی و برعکس در نظریه کدام فیلسوف شاهد گسستگی می‌باشیم؟

نظریه‌های حکیمان مسلمان درباره نظام فیض از حیث روش شناختی یا

محتوا مشابهت‌ها و تفاوت‌های متعددی دارند. در این نوشتار تنها این نظریه‌ها - ابن سینا، *الاشارات والتبیهات*، ص ۱۱۲-۱۱۳؛ ملاصدرا، *الاستفصار الاربعه*، ص ۲۲-۲۳؛ لاهیجی، *گومر مراد*، ص ۱۷-۲۲؛ اشعری، *اساس التوحید*، ص ۴۲-۴۴

که می‌خواهد انسان را به سعادت نهایی‌اش برساند که رسیدن به مرتبه عقل فعال است (همانند صص ۲۳).

چهارمین رتبه به نفس تعلق دارد. فزایی نفوس را به نفوس اجسام سماوی، نفوس حیوان ناطق و نفوس حیوان غیر ناطق تقسیم می‌کند و نفوس اجسام سماوی را از جهت منحصر به فرد بودن نوع آنها و شرافت بیشتر، بالاتر از سایر نفوس معرفی می‌کند.

فزایی نحوه پیدایش اسباب ثواب از سبب اول و اجسام آسمانی از اسباب ثوابی را در کتاب *السیاسة المدنیة* به صورت بسیار خلاصه و در کتاب *عیون المسائل* (صص ۶۸-۷۰) با کمی توضیح بیشتر و در کتاب *آراء اهل مدینه الفاضله و مضامینها* به صورت مفصل‌تر و واضح‌تر چنین بیان می‌کند: از موجود اول (خدا) موجود دوم صادر می‌شود که جوهری مجرد است، همه ذات خود را و هم ذات موجود اول را تعقل می‌کند به خاطر تعقل ذات اول، موجود سوم و از جهت تعقل ذات خود، آسمان اول (فلک یا فلک اطلس) از او صادر می‌گردد.

موجود سوم نیز جوهر عقلی است، هم ذات موجود اول و هم ذات خود را تعقل می‌کند، به جهت تعقل ذات موجود اول، موجود چهارم (عقل سوم) و با واسطه تعقل ذات خود کره کواکب ثابته ایجاد می‌گردد. این روند از موجود چهارم (عقل سوم) تا موجود دهم (عقل نهم) ادامه پیدا می‌کند و هر کدام ذات خویش را تعقل می‌کنند و از تعقل ذات مبدأ، موجود (عقل) بعدی تا عقل نهم تحقق می‌یابد و با واسطه تعقل ذات خویش به ترتیب از موجود چهارم به بعد کره زحل، مشتری، مریخ، اقیانوس، و عطارد و در نهایت از سوی موجود دهم (عقل نهم) کره قمر ایجاد می‌شود.

عقل دهم، هم ذات خویش و هم ذات اول را تعقل می‌کند. اما از عقل دهم، عقلی دیگر به وجود نمی‌آید، بلکه معلول آن محتاج ماده و موضوع است. عقل دهم (عقل فعال) مدبر عالم مادون فلک قمر است و با وجود کره قمر وجود اجسام آسمانی ختم می‌شود. بعد از آن ما با اجسام زمینی سر و کار

داریم (صص ۵۲-۵۴).
 فزایی، *عیون المسائل*، صص ۶۸-۷۰
 کوهنورد، *آراء اهل مدینه الفاضله*، صص ۵۴-۵۵

نکته اول. فزایی علاوه بر فلسفه به معنای اخص بر علوم مختلف زمانش از قبیل فلسفه، طبیعیات، اخلاق، ادبیات و... تسلط داشت و به همین جهت تلاش می‌کرد از نتایج علوم مختلف در فلسفه استفاده نماید، یکی از آن موارد مربوط به بحث نظام فیض است. ظاهراً فزایی اولین حکیم مسلمانی است که میان نظام فیض افلوطنین و هیات بطلمیوسی ارتباط برقرار کرد و چون تعداد افلاک بر مبنای طبیعیات قدیم نه تا بود، جهت تطابق کمیت عقول با افلاک، تعداد نه عقل از (عقل اول تا عقل نهم) مطرح کرد و گفت: عقل دهم (عقل فعال) به تدبیر عالم مادون قمر می‌پردازد.

این ابتکار فزایی - پیوند میان نظام فیض افلوطنین و هیات بطلمیوسی - در دوره‌های بعد تا حد زیادی مورد قبول اکثر فیلسوفان سترگ مسلمان بسین قرار گرفت.

نکته دوم. فزایی نظام فیض را به شکل ثنایی تقریر کرد و چگونگی پیدایش کثرت در جهان را از طریق دو عامل - تعقل ذات مبدأ و تعقل ذات خویش - تبیین کرده در صورتی که این روش از سوی بسیاری از متفکران بعد از او به خصوص از سوی ابن سینا پذیرفته نشد و ابن سینا نظام فیض را به شکل ثلاثی و رباعی تقریر کرد.

۱-۲-۱- ابن سینا
 ابن سینا ابتدا از طریق دلیل اثبات می‌کند، که صادر اول، جسم هیولی، صورت و نفس نیست، بلکه عقل است و درباره چگونگی پیدایش کثرت در عقل اول دو تقریر ارائه می‌دهد.

تقریر اول، در عقل نخستین جهات متعدد قابل تصور است، زیرا هنگامی که از حضرت حق شینی صادر شود، آن شیء دارای هویتی است که ضرورتاً مغایر با حضرت حق است و از طرفی عقل نخستین چون امری قائم بالذات است هم می‌تواند به تعقل درباره ذات خویش بپردازد و هم درباره حضرت حق تعقل کند و اگر رابطه ماهیت را با وجود و عدم بسنجیم، دارای صفت امکان است. اما اگر رابطه ماهیت را با حضرت حق بسنجیم، متصف به صفت وجود بالغیر است. پس در مجموع در صادر اول، شش جهت کثرت قابل اعتبارند. از این شش

ماهیت خودش صور نوعیه و جسمیه و به اعتبار نسبت وجودش با مبدأ، نفوس ناطقه از او صادر می گردد. این سینا نیز مثل فارابی به افلاک نه گانه قائل بود و تعداد عقل را در سلسله طولی به ده عقل منحصر کرد. تا میان هیات قدیمه و نظام فیض تطابق وجود داشته باشد.

نکته دوم. فارابی نظام فیض را به شکل ثنائی تقریر کرد، اما این روش مورد تأیید این سینا قرار نگرفت و نظام فیض را براساس تقریر اول به شکل ثلاثی - یعنی چگونگی پیدایش کثیر از واحد از طریق سه عامل تعقل امکان وجود و وجوب بالغیر - و براساس تقریر دوم به شکل رباعی - یعنی چگونگی پیدایش کثیر از واحد از طریق چهار عامل تعقل ماهیت، وجود خودش، وجوب خودش و مبدأ - تبیین کرد.

مهمترین دلیل عدم پذیرش نظریه فارابی - در تقریر نظام فیض به شکل ثنائی - از سوی این سینا را چنین می توان تبیین کرد: همان طور که در گزارش نظریه فارابی آمد و مورد تأیید این سینا نیز است، از عقل اول تا عقل نهم، از هر عقل، یک عقل و یک فلک ایجاد می گردد. به عنوان مثال از عقل اول، عقل دوم و فلک اول (اطلس) و از عقل دوم، عقل سوم و فلک دوم و... ایجاد می گردد. از طرفی بر مبنای طبیعیات قدیم که مورد تأیید فارابی و ابن سیناست، هر فلکی علاوه بر جسم، دارای نفسی است که مدبر آن است، پس در حقیقت در اینجا با سه شیء متفاوت - عقل، جسم فلک و نفس آن - یا چهار شیء متفاوت^{۱۳۸} مواجهیم و براساس اصل سختیت میان علت و معلول هر کدام از این سه یا چهار شیء، علت متناسب و هم سنخ خویش را می طلبند. در نتیجه در تبیین کثرت، نیاز به سه یا چهار عامل داریم، در صورتی که فارابی در تبیین خودش تنها به دو عامل اشاره کرده است. البته شیخ اشراق و ملاصدرا نیز در برخی آثار خویش نظام فیض را مثل فارابی به شکل ثنائی تبیین کرده اند.

^{۱۳۸} در صورتی که جسم فلک را به صورت تعلیلی در نظر بگیریم، مرکب از هیولای و صورت است. پس چهار شیء عبارتند از هیولای + صورت (جسم) فلک + نفس فلک + عقل.

جهت، سه جهت - امکان، وجود و وجوب بالغیر - در پیدایش کثرت دخالت دارند. امکان عقل اول، علت برای هیولای فلک اقصی، و وجود عقل اول، علت برای صورت فلک اقصی و وجوب بالغیر آن باعث پیدایش عقل دوم می گردد.

تقریر دوم. عقل اول ماهیت خودش، وجود خودش و وجوب وجود خودش را از ناحیه حضرت حق و وجود مبدأ را تعقل می کند. با تعقل ماهیت خودش، موجب پیدایش هیولای فلک اقصی و با تعقل وجود خودش موجب پیدایش صورت فلک و با تعقل وجوبش (وجوب بالغیر) از ناحیه خداوند، سبب پیدایش نفس فلک اقصی و با تعقل مبدأ، علت برای پیدایش فلک اقصی می گردد. (ابن سینا، *الشفاء الالهیات*، ص ۴۰۵-۴۰۷، ۴۰۴-۴۰۷).

الاشارات والتشبهات، ۲۴۴/۳-۲۴۷؛ *فخروزی، المطالب العالیه*، ۳۹۲/۴.

در هر دو صورت اشرف علت برای اشرف و اخص علت برای اخص واقع می گردد. در نظام ثلاثی اول، وجوب بالغیر اشرف است. بدین خاطر موجب پیدایش عقل دوم و امکان اخص جهات است و سبب پیدایش هیولای فلک اقصی می گردد. این روند بعد از عقل اول نیز ادامه پیدا می کند، یعنی هر عقلی موجب پیدایش عقل و فلک دیگر می گردد تا به عقل دهم (عقل فعال) منتهی شود. از عقل فعال، عقل و فلکی ایجاد نمی شود، بلکه به اعتبار تعقل امکان خودش، هیولای مشترک عناصر را ایجاد می کند و به اعتبار تعقل ماهیت خودش، صور نوعیه و جسمیه از او صادر می گرد (و به اعتبار نسبت وجودش به مبدأ (واجب بالغیر بودن) نفوس ناطقه انسانی از او صادر می گردد) *(الشفاء الالهیات*، ص ۴۰۵-۴۰۶).

نکته اول. در تقریر اول نظریه ابن سینا، بحث درباره هیولای و صورت فلک اقصی مبین تأثیر طبیعیات قدیم بر نظریه ابن سینا است و در نظریه دوم نیز علاوه بر بیان هیولای و صورت فلک اقصی، ابن سینا تصریح کرده است، این روند پیدایش کثرت بعد از عقل اول تا عقل دهم نیز استمرار پیدا می کند تا سلسله طولی به عقل دهم منتهی شود و از عقل دهم نیز فلکی صادر نمی شود، بلکه به اعتبار تعقل امکان خودش، هیولای مشترک عناصر و به اعتبار تعقل

عقلی است، نزدیک تر است و مقام هیولی بدان علت که از حضرت حقی دورتر است، از مقام نفس پایین تر است (همان: ۱۹۶۳-۱۹۶۸).

نظریه دوم. این نظریه بر مبنای نظریه اعداد بدین شکل تبیین شده است: همانگونه که واحد قبل از اعداد و منشأ پیدایش اعداد است، خداوند نیز اول موجودات و منشأ پیدایش موجودات است و به همان شکل که اعداد، از ترکیب واحدها به وجود می آیند و عدد دو، اولین عضو سلسله اعداد است، با همین قیاس، عقل اول موجودی است که خدا او را آفرید، و به دو نوع غریزی و اکتسابی تقسیم می شود و این دلیل بر رتبه او در میان موجودات است.

همان سان که عدد سه بعد از عدد دو قرار می گیرد، نفس نیز از حیث رتبه وجودی، بعد از عقل قرار می گیرد و به سه نوع تقسیم می شود: نباتی، حیوانی و ناطق، اقسام سه گانه نفس بر رتبه اش در میان موجودات دلالت می نماید.

پس خداوند هیولی را آفرید که از جهت رتبه طولی در مرتبه چهارم واقع می شود و رتبه اش بعد از نفس و به نوعی متوقف بر نفس است، به همان سان که عدد چهار، به نوعی بر عدد سه مترتب است. به همین جهت هیولی چهار نوع است: هیولای صناعت، طبیعت، کسل و اولی. این انواع چهارگانه هیولی، دلیل بر رتبه او در میان موجودات است.

در مرحله بعد، خداوند طبیعت را بر هیولی مترتب کرد، همانگونه که عدد پنج مترتب است. به همین جهت طبایع پنج قسمند که یک قسم آن طبیعت فلک و چهار قسم طبیعت زیر فلک قرار دارد. در رتبه بعدی، خداوند جسم را بر طبیعت مترتب کرد، همانگونه که عدد شش بر عدد پنج بر چهار مترتب است. به همین جهت طبایع پنج قسمند، که یک قسم آن طبیعت فلک و چهار قسم طبیعت زیر فلک قرار دارد. در رتبه بعدی، خداوند جسم را بر طبیعت مترتب کرد، همانگونه که عدد شش بر عدد پنج مترتب است. به همین جهت جسم داری شش جهت (شرق، غرب، شمال، جنوب، بالا و پایین) است. خداوند از

۱-۳- اخوان الصفا

در رسائل اخوان الصفا درباره نظام فیض دو نظریه ذیل ارائه شده است:

نظریه اول. اخوان الصفا در «رساله فی المبادی العقلیه علی رای اخوان الصفا»، بیان کرده اند که خداوند منابع الفیض نیست، بلکه حکمت الهی اقتضا می کند که دائم الفیض باشد (رسائل اخوان الصفا، ۱۹۶۳).

آنان بعد از ذکر این مقدمه مختصر، نحوه پیدایش کثیر از واحد را چنین تبیین کرده اند: اولین فیض که از خداوند فیضان می یابد، عقل فعال است که جوهر بسیط روحانی و نور محض است و از جهت فضایل و کمال در نهایت درجه است و... در مرحله دوم از عقل فعال فیض دیگر به نام عقل منفعّل یا نفس کلی فیضان می یابد که صورت و فضایل را براساس ترتیب از عقل فعال می پذیرد.

در مرحله سوم از نفس کلی فیض دیگر به نام هیولای اولی فیضان می یابد که از جهت رتبه پایین تر است و جوهر بسیط روحانی است که صورت و اشکال مختلف را در زمان های مختلف از نفس کلی می پذیرد. اولین صورتی که هیولی می پذیرد، طول، عرض و عمق است که بعد از پذیرش این ابعاد سه گانه به آن جسم مطلق یا هیولای ثانیه می گویند.

فیض وقتی به وجود جسم می رسد، متوقف می شود و به خاطر نقصان جسم، بعد از آن فیض دیگری صادر نمی شود، اما فیض از باری تعالی بر عقل و از عقل بر نفس به صورت مداوم سرایان می یابد. جسم براساس قابلیت خود، واجد صور و اشکال مختلف می گردد. اولین صورتی که نفس در جسم ایجاد می کند، شکل کروری است که از همه اشکال دیگر برتر است و نفس جسم را با حرکت دوری به حرکت درمی آورد. این حرکت دوری برخی در بطن و جوف دیگری است، که برتر از همه آنها فلک محیط قرار دارد و در درونی ترین لایه زمین قرار دارد. اینها یازده کره اند که زمین غلیظترین اجسام و از همه ظلمانی تر است، زیرا از فلک محیط دورتر است و فلک محیط لطیفترین و شفافترین اجسام از جهت نورانیت است، زیرا به هیولای اولی که جوهر بسیط

۱- فصلنامه پژوهشی اندیشه نوین دینی - شماره ۲، پاییز ۸۴، ص ۷۰-۷۱
 ۲- همپو، مجله معرفت، شماره ۱۱۲، ص ۱۱۲-۱۱۳
 ۳- همپو، مجله معرفت، شماره ۱۱۲، ص ۱۱۲-۱۱۳
 ۴- همپو، مجله معرفت، شماره ۱۱۲، ص ۱۱۲-۱۱۳

- ۴-۱- شیخ اشراق
- حکیم اشراقی در کتب و رساله‌های مختلف خویش تعبیر و اصطلاحات مختلفی را درباره صادر اول مثل عقل یا عقل اول (شیخ اشراق، المشارح والمطارحات، ۴۴۹۱-۴۵۰، پرتونامه، ۵۴-۵۲۳، هیاکل النور، ۹۷۱۳) جوهر عقلی وحدانی (کلمه التصوف، ۱۱۶۴، الواح عمادی، ۱۴۷۳) نور اول یا عبد اول (المحاث، ۲۳۲۲-۲۳۲۳، نور قاهر (هیاکل النور، ۹۶۱۳)، نور ابدایی اول (همان، ۹۵۱۳)، نور مجرد واحد (حکمه الاشراق، ۱۳۲۲)، نور اقرب (همان، ۱۳۲۲-۱۳۳۰، ص ۱۳۷-۱۴۰)، و شیخ (اوز بر جبرئیل، ۲۱۲۳-۲۱۳۰) استعمال می‌کند. با کسند و کاو در آثار شیخ اشراق درباره نظام فیض، می‌توانیم آنها را به سه دسته تقسیم کنیم:
- ۴- همپو، مجله معرفت، شماره ۱۱۲، ص ۹۶
- تقریر بر مبنای مشرب مشایی، سهروردی در برخی از کتب و رساله‌های خویش از جمله در کتاب
- ۵- همان، ص ۹۵
- ۶- همپو، مجله معرفت، شماره ۱۱۲، ص ۱۱۲-۱۱۳
- ۷- همپو، مجله معرفت، شماره ۱۱۲، ص ۱۱۲-۱۱۳

۱- همپو، مجله معرفت، شماره ۱۱۲، ص ۱۱۲-۱۱۳
 ۲- همپو، مجله معرفت، شماره ۱۱۲، ص ۱۱۲-۱۱۳
 ۳- همپو، مجله معرفت، شماره ۱۱۲، ص ۱۱۲-۱۱۳
 ۴- همپو، مجله معرفت، شماره ۱۱۲، ص ۱۱۲-۱۱۳

عقل سوم نیز به خاطر این جهات سه گانه، سبب پیدایش عقل چهارم و جرم و نفس فلک زحل می‌گردد. این روند ادامه می‌یابد تا همه افلاک نه گانه ایجاد شوند. عقل دهم از جهت تعقل امکان‌سبب پیدایش هیولای مشترک میان عناصر می‌شود و به اعتبار تعقل ماهیتش، موجب پیدایش صور عناصر و به اعتبار نسبت وجوب به مبدأ سبب پیدایش نفوس ناطقه ما می‌گردد (التلویحات، ۶۲۱-۶۲۴).

سهروردی تقریباً همین مضمون را در رساله‌های مختلف خویش از جمله در رساله فی اعتقاد الحكماء (۲۶۵-۲۶۴۲)، پرتونامه (۵۴-۵۲۳)، یزدان شناخت (۴۱۷۳-۴۱۸، ۴۴۴-۴۴۵)، المحاث (۲۳۲۴-۲۳۲۴)، کلمه التصوف (۱۱۶۴-۱۱۸) و بوستان القلوب یا روضه القلوب (۲۸۱۳-۲۸۲۰)، با اندک تفاوتی از جهت کمیت و کیفیت بحث تکرار کرده است.

تقریر بر مبنای مشایی با نگرش انتقادی، حکیم اشراقی در برخی رسائل خویش بعد از تبیین نظام فیض به شیوه مشایی به ارزیابی انتقادی آنها پرداخته است. یکی از این رسائل الواح عمادی (۱۴۷۳-۱۴۸) است. او در این رساله ابتدا نظام فیض را بر مبنای مکتب مشایی، آن هم به شکل ثلاثی تبیین می‌کند و سپس آن را مورد ارزیابی انتقادی قرار می‌دهد و می‌گوید: تعداد عقول برخلاف گفته فیلسوفان مشایی محدود نیست، بلکه بسیار زیاد است و تنها خدا از تعداد آنها آگاهی دارد (۱۴۸۳-۱۴۹).

شیخ اشراق در کتاب المشارح والمطارحات (۴۵۰-۴۴۹/۱) روند جدایی از نظام مشایی را تعمیق می‌بخشد. او در این کتاب ابتدا نظام فیض را با شیوه مشایی به صورت کامل تقریر می‌کند. بعد از آن اشکالی مطرح می‌کند که در فلک ثوابت هزاران ستاره است، حال چه اینها را مختلفه الانواع یا متفقه الانواع فرض کنیم، این کثرت نیاز به عاملی دارند که آنها را توجیه کند. جهات سه گانه‌ای که مشائیان درباره عقل دوم مطرح کرده‌اند، نمی‌تواند به این اشکال و اشکال‌های مشابه پاسخ دهد و در پایان فصل بیان می‌کند، به خاطر ناتوانی

المراجع الفقهی فی فقه امامیه، ج ۱، ص ۲۰۰، شماره ۲، پاییز ۸۴
فلسفیه پژوهشی اندیشه نوین دینی - شماره ۲، پاییز ۸۴
عقول و عاقل، ص ۲۰۰، شماره ۲، پاییز ۸۴
عقول و عاقل، ص ۲۰۰، شماره ۲، پاییز ۸۴

اولین صادر عقل اول است و در مراحل بعدی براساس شرافت
عقول دیگر از عقل دوم تا عقل دهم قرار دارند. اما در مکتب اشراقی از
عقول به نام «انوار قاهره» یاد می کنند و آن را به دو قسم «انوار قاهره عالیه یا
طولیبه» (عقول طولی) و انوار قاهره سفلیه یا عرضیه (عقول عرضیه) تقسیم
می کنند و از عقل اول به نور اقرب و جهت امکانی عقل اول (به اصطلاح مشایی)
با نام های فقر و ظلمت و از حیثیت وجود بالغیر آن با استناد به نور الانوار از
مشاهده جلال و عظمت آن یاد می کنند.

در مرتبه سوم نظام فیض حکمت مشایی نفوس واقع می شوند و
حکیمان اشراقی از نفوس ناطقه فلکی و انسانی به نام انوار غیر قاهره یاد
می کنند و در مرتبه اخیر نظام فیض براساس نظام فلسفی مشایی عالم اجسام
واقع می شوند که حکیمان اشراقی از عالم اجسام به نام عالم ظلمانی (غواصق،
ظلمات و برازخ) یاد می کنند. (فارابی، *السیاسة المنیة*، ص ۲۱-۲۳، عیون
المسائل، ص ۶۸-۷۰، *راه اهل المدینه الفاضله و مضاداتها*، ص ۵۲-۵۴، ابن سینا،
الشفاء الالهیة، ص ۴۰-۴۰۷، الانوارات و التنبیها، ص ۲۴۴-۲۴۷، المبدأ و
المعاد، ص ۷۸-۸۱، فخر رازی، *المطالب العالیة*، ص ۲۳۴، شیخ اشراق، حکمه
الاشراقی، ص ۱۴۵-۱۴۸، شهرزوری، ص ۲۶۹-۲۷۰، قطب الدین شیرازی،
ص ۳۴۰.

تکته دوم. تأمل در سه مرحله نظریه پردازشی شیخ اشراق درباره نظام
فیض از جهت تأثیرپذیری از طبیعیات و هیات قدیم نشان می دهد شیخ در
مرحله اول کاملاً تحت تأثیر طبیعیات و هیات قدیم است و از رابطه علی میان
افلاک نه گانه و عقول و هیولای مشترک میان عناصر سخن می گوید. وی در
مرحله دوم که به ارزیابی انتقادی نظریه حکیمان مشایی درباره نظام فیض
می پردازد، رابطه علی میان افلاک و عقول و هیولای مشترک میان عناصر را
می پذیرد، و نظریه حکیمان مشایی درباره انحصار عقول به ده عقول و جهت
سه گانه کثرت در عقول را مورد انتقاد قرار می دهد. شیخ شهید در مرحله آخر
نظریه مقبول و مختار خویش را ارائه می دهد، گرچه این نظریه دارای دو ویژگی

عقول و عاقل، ص ۲۰۰، شماره ۲، پاییز ۸۴
عقول و عاقل، ص ۲۰۰، شماره ۲، پاییز ۸۴
عقول و عاقل، ص ۲۰۰، شماره ۲، پاییز ۸۴
عقول و عاقل، ص ۲۰۰، شماره ۲، پاییز ۸۴

عقول و عاقل، ص ۲۰۰، شماره ۲، پاییز ۸۴
عقول و عاقل، ص ۲۰۰، شماره ۲، پاییز ۸۴
عقول و عاقل، ص ۲۰۰، شماره ۲، پاییز ۸۴
عقول و عاقل، ص ۲۰۰، شماره ۲، پاییز ۸۴

عقول و عاقل، ص ۲۰۰، شماره ۲، پاییز ۸۴
عقول و عاقل، ص ۲۰۰، شماره ۲، پاییز ۸۴
عقول و عاقل، ص ۲۰۰، شماره ۲، پاییز ۸۴
عقول و عاقل، ص ۲۰۰، شماره ۲، پاییز ۸۴

عقول و عاقل، ص ۲۰۰، شماره ۲، پاییز ۸۴
عقول و عاقل، ص ۲۰۰، شماره ۲، پاییز ۸۴
عقول و عاقل، ص ۲۰۰، شماره ۲، پاییز ۸۴
عقول و عاقل، ص ۲۰۰، شماره ۲، پاییز ۸۴

عقول و عاقل، ص ۲۰۰، شماره ۲، پاییز ۸۴
عقول و عاقل، ص ۲۰۰، شماره ۲، پاییز ۸۴
عقول و عاقل، ص ۲۰۰، شماره ۲، پاییز ۸۴
عقول و عاقل، ص ۲۰۰، شماره ۲، پاییز ۸۴

عقول و عاقل، ص ۲۰۰، شماره ۲، پاییز ۸۴
عقول و عاقل، ص ۲۰۰، شماره ۲، پاییز ۸۴
عقول و عاقل، ص ۲۰۰، شماره ۲، پاییز ۸۴
عقول و عاقل، ص ۲۰۰، شماره ۲، پاییز ۸۴

صدرا در رساله *اجوبه المسائل النصيرية* نظام فیض را مثل فارابی به شکل ثنائی چنین تقریر می‌کند: معلول (صادر نخستین) از جهت وحدت وجودی‌اش از حضرت حق صادر شده و از جهت کثرت عقلی یا تحلیلی، سبب صدور کثرت در عالم خارج شده است. پس وحدت سبب پیدایش واحد و کثرت سبب پیدایش کثیر شده است و معلول اول به واسطه وجودی که از ناحیه حضرت حق پیدا کرده، سبب پیدایش عقل دیگری و به واسطه ماهیتش سبب پیدایش فلک شده است. همانطور که ماهیت نوعی مشتمل بر دو مفهوم جنس و فصل است. بدین خاطر فلک از جهت ماهیت مشتمل بر ماده و صورت است. این روند در پیدایش موجودات در مراتب بعدی نیز ادامه می‌یابد (ص ۱۷۱-۱۷۳).

ملاصدرا در رساله *شواهد الربوبیه* نظام فیض را به شکل ثلاثی مثل این سینا تقریر کرده و چنین می‌گوید: وجود معلول اول صادر بالذات از حضرت حق است. اما ماهیت معلول اول که مرکب از جنس و فصل است، گرچه از حضرت حق صادر نشده، لازم وجود عقل اول است. ملاصدرا سپس می‌افزاید: براساس گونه‌ای از مبانی که در فلسفه انتخاب کرده‌ایم، لوازم وجود نیاز به جعلی علاوه بر جعل وجود ندارند، بلکه جعل بالذات تنها شامل وجود می‌شود. با این بیان مشخص می‌شود که در معلول اول سه جهت - یک جهت به وجود و دو جهت که به ماهیت مربوط است - وجود دارد و این سه جهت سبب پیدایش (عقل بعدی) و نفس و جرم فلک اول شده است (ص ۱۸۸-۱۹۰، ۱۸۷-۲۸۶).
۱- *الجزء المسائل النصيرية*، ص ۱۷۱-۱۷۲

صدر الدین شیرازی در *المعاد و المعاد* نیز نظام فیض را به شکل ثلاثی تقریر می‌کند و وجوه کثرت در عقل اول را چنین توضیح می‌دهد: مشائیان می‌گویند: نقل و جوب وجود معلول اول که امر اشرفی است، سبب پیدایش امر اشرف، یعنی عقل دوم و نقل امکان عقل اول که امر اخصی است، سبب پیدایش جرم فلک اقصی می‌گردد و عقل اول با نقل ماهیت خویش، سبب پیدایش نفس فلک اقصی می‌گردد... این روند ادامه می‌یابد تا افلاک نه گانه و عقول ده گانه ایجاد شوند و از عقل دهم به اعتبار نقل ماهیتش صور جسمیه و

۷۷ صدرالدین شیرازی، *المعاد و المعاد*، ص ۱۷۱-۱۷۲
۲- صدرالدین شیرازی، *المعاد و المعاد*، ص ۱۷۱-۱۷۲
۳- صدرالدین شیرازی، *المعاد و المعاد*، ص ۱۷۱-۱۷۲
۴- صدرالدین شیرازی، *المعاد و المعاد*، ص ۱۷۱-۱۷۲

می‌شود (ص ۱۸۸-۱۹۰).

قسم سوم. صدرالدین شیرازی از برخی جهات تحت تأثیر حکمت اشراقی بوده است از کتاب‌هایی که تا حدی مبین تأثیر ملاصدرا از حکمت اشراقی است، *الواردات القلیبه فی معرفه الربوبیه* است. او تمام فصول این کتاب را تحت عنوان فیض نام‌گذاری کرده است و در فیض چهارم و پنجم برخی از مقدمات نظام فیض را بیان کرده است (ص ۶۱-۶۵). در فیض ششم می‌گوید: حضرت حق موجوداتی را ابداع کرد که منزله از تعلق به اجرام‌اند و آنها را به عنوان اموری ستوده است که به صورت دائمی و مستمر به تسبیح حضرت حق مشغول‌اند. اما توانی را به عنوان اموری قرار داد که محرک اجرام بزرگ و با کرامت‌اند و مشوق ذات نوری ابدانی (همان، ص ۶۳-۶۴).

ملاصدرا در کتاب *شواهد الربوبیه* نیز درباره کیفیت پیدایش کثیر از واحد، همان روند کتاب *الواردات القلیبه فی معرفه الربوبیه* را ادامه می‌دهد و از صادر اول به نام فیض اول یاد می‌کند و عنوان بحث خویش را «فی کیفیت توسط الفیض الاول لساتر الموجودات» قرار می‌دهد و قریب به همان مضمون را تکرار می‌کند (ص ۱۳۰).

قسم چهارم. ملاصدرا در موضع دیگر از *شواهد الربوبیه* به صورت بسیار صریح در بحث نظام فیض از تنوری جهان شناختی مشایی و اشراقی به صورت کامل فاصله می‌گیرد. او تمایلات عرفانی خود را به منصفه ظهور می‌رساند و مشابه یک عارف در بحث کیفیت پیدایش کثیر از واحد اظهار نظر می‌کند و صادر اول را وجود منسبط معرفی می‌کند (سید حیدر آملی، ص ۶۸۸-۶۹۳؛ این فناری ص ۶۹-۷۰، زنوری، ص ۲۸-۲۹، ۲۹۰-۲۹۱).

او وجود را به سه رتبه مختلف تقسیم و درباره آنها توضیح داده و در پایان به کلامی از عرفا استشهد می‌کند و می‌گوید: عرفا وجود را به صورت کلی به سه قسم تقسیم می‌کنند:

- ۱- وجودی که حق محض است و آن الله است.
- ۲- وجود مطلق که فعل حضرت حق است.
- ۳- *شواهد الربوبیه*، ص ۶۹۳-۶۹۴ این فناری که مصباح الاسباس، ص ۷۰-۷۱
- ۴- *شواهد الربوبیه*، ص ۶۹۳-۶۹۴
- ۵- *شواهد الربوبیه*، ص ۶۹۳-۶۹۴

۳- وجود مقید که اثر حق است.
صدرا می‌گوید: این سه قسم در واقع منطبق با سه قسمی است، که ذکر کرده‌ایم. قسم اول در تقسیم عرفا با قسم اول ما - وجودی که هیچ گونه تلقی به غیر ندارد - منطبق است. قسم دوم، وجود مطلق، با وجود منبسط منطبق است. قسم سوم، وجود مقید، بر قسم دوم ما - وجود متعلق به غیر - منطبق است. تمام موجودات از قبیل عقول، نفوس، افلاک، طبایع، مواد و اجسام در این رتبه قرار می‌گیرند که شواهد الربوبیه، ص ۷۰.

صدرا در بحث علیت الاسفار الاربعه در فصلی تحت عنوان «فی اول مایشنا فی الوجود الحق» نظر خود را درباره صادر اول بیان می‌کند. او در این فصل نیز به صورت کامل از نظریه جهان شناختی مشایی و اشراقی فاصله می‌گیرد و به نظریه جهان شناختی عرفانی روی می‌آورد (۳۲۱/۲-۳۲۲-۳۲۳).
نکته اول: ملاصدرا در رساله *شواهد الربوبیه* به ویژه در *المبدأ والمعاد* فیض را به شکل ثنائی تقریر کرده و بسان فارابی عقل را صادر اول معرفی می‌کند و جنب پیدایش عقول کثیر از پیدایش افلاک متعدد سخن می‌گوید که مبین تأثیرپذیری ملاصدرا از طبیعتیات قدیم است.

نکته دوم: ملاصدرا در رساله *شواهد الربوبیه* و به ویژه در *المبدأ والمعاد* مثل این سینا در تقریر نظام فیض از نظام ثلاثی استفاده کرده و سه عامل را در پیدایش کثرت در عقول دخالت داده است و مانند این سینا بر این باور است که افلاک علاوه بر اجرام نفوس نیز دارند. بدین جهت نظام ثنائی فارابی نمی‌تواند پاسخگوی پیدایش سه امر باشد. علاوه بر آن صدرا نیز مثل این سینا از چگونگی تأثیر عقول (عقل اول تا عقل نهم) در پیدایش افلاک نه گانه سخن گفته است، که به وضوح مبین تأثیرپذیری از هیات قدیم است.

نکته سوم: ملاصدرا برخلاف متونی که در آنها نظام فیض را به شکل مشایی تقریر کرد، به صورت کامل تحت تأثیر مکتب اشراقی نیست، بلکه نوشته‌های صدرا در دو کتاب *الاوراق الفلکیه* و *شواهد الربوبیه* حالت بینابینی دارد، بدین معنا که تأثیرات مکتب مشایی، اشراقی و مشرب عرفانی و طبیعتیات قدیم هر کدام تا حدی در این مکتوبات به چشم می‌خورد. ذکر واژه‌های از قبیل

۱- ملاصدرا، *شواهد الربوبیه*، ص ۷۰
۲- همانجا، *الاوراق الفلکیه*، ج ۲، ص ۲۰۱-۲۰۳

۱۳۳-۱۳۴، *نمونه اشراقی*، ص ۳۵۳-۳۵۶
قلم حق اول درباره صادر اول، تا حدی مبین تأثیر عرفان و بیان واژه‌های از قبیل وجود، ماهیت و امکان عقل، حاکی از تأثیر حکمت مشایی و بحث درباره افلاک ناشی از تأثیرپذیری از هیات قدیم و ذکر واژه‌هایی از قبیل نور محض، مشرق انوار، اجرام کریمه شعاعیه، منشورات ذوات نوریه ابداعیه و... مبین تأثر از حکمت اشراقی است (سهروردی، ۱۳۷۳-۹۵/۳-۹۶-۹۷-۹۸-۹۹-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳-۱۰۴-۱۰۵-۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۵-۱۱۶-۱۱۷-۱۱۸-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۱-۱۲۲-۱۲۳-۱۲۴-۱۲۵-۱۲۶-۱۲۷-۱۲۸-۱۲۹-۱۳۰-۱۳۱-۱۳۲-۱۳۳-۱۳۴-۱۳۵-۱۳۶-۱۳۷-۱۳۸-۱۳۹-۱۴۰-۱۴۱-۱۴۲-۱۴۳-۱۴۴-۱۴۵-۱۴۶-۱۴۷-۱۴۸-۱۴۹-۱۵۰-۱۵۱-۱۵۲-۱۵۳-۱۵۴-۱۵۵-۱۵۶-۱۵۷-۱۵۸-۱۵۹-۱۶۰-۱۶۱-۱۶۲-۱۶۳-۱۶۴-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۷-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۲-۱۷۳-۱۷۴-۱۷۵-۱۷۶-۱۷۷-۱۷۸-۱۷۹-۱۸۰-۱۸۱-۱۸۲-۱۸۳-۱۸۴-۱۸۵-۱۸۶-۱۸۷-۱۸۸-۱۸۹-۱۹۰-۱۹۱-۱۹۲-۱۹۳-۱۹۴-۱۹۵-۱۹۶-۱۹۷-۱۹۸-۱۹۹-۲۰۰-۲۰۱-۲۰۲-۲۰۳-۲۰۴-۲۰۵-۲۰۶-۲۰۷-۲۰۸-۲۰۹-۲۱۰-۲۱۱-۲۱۲-۲۱۳-۲۱۴-۲۱۵-۲۱۶-۲۱۷-۲۱۸-۲۱۹-۲۲۰-۲۲۱-۲۲۲-۲۲۳-۲۲۴-۲۲۵-۲۲۶-۲۲۷-۲۲۸-۲۲۹-۲۳۰-۲۳۱-۲۳۲-۲۳۳-۲۳۴-۲۳۵-۲۳۶-۲۳۷-۲۳۸-۲۳۹-۲۴۰-۲۴۱-۲۴۲-۲۴۳-۲۴۴-۲۴۵-۲۴۶-۲۴۷-۲۴۸-۲۴۹-۲۵۰-۲۵۱-۲۵۲-۲۵۳-۲۵۴-۲۵۵-۲۵۶-۲۵۷-۲۵۸-۲۵۹-۲۶۰-۲۶۱-۲۶۲-۲۶۳-۲۶۴-۲۶۵-۲۶۶-۲۶۷-۲۶۸-۲۶۹-۲۷۰-۲۷۱-۲۷۲-۲۷۳-۲۷۴-۲۷۵-۲۷۶-۲۷۷-۲۷۸-۲۷۹-۲۸۰-۲۸۱-۲۸۲-۲۸۳-۲۸۴-۲۸۵-۲۸۶-۲۸۷-۲۸۸-۲۸۹-۲۹۰-۲۹۱-۲۹۲-۲۹۳-۲۹۴-۲۹۵-۲۹۶-۲۹۷-۲۹۸-۲۹۹-۳۰۰-۳۰۱-۳۰۲-۳۰۳-۳۰۴-۳۰۵-۳۰۶-۳۰۷-۳۰۸-۳۰۹-۳۱۰-۳۱۱-۳۱۲-۳۱۳-۳۱۴-۳۱۵-۳۱۶-۳۱۷-۳۱۸-۳۱۹-۳۲۰-۳۲۱-۳۲۲-۳۲۳-۳۲۴-۳۲۵-۳۲۶-۳۲۷-۳۲۸-۳۲۹-۳۳۰-۳۳۱-۳۳۲-۳۳۳-۳۳۴-۳۳۵-۳۳۶-۳۳۷-۳۳۸-۳۳۹-۳۴۰-۳۴۱-۳۴۲-۳۴۳-۳۴۴-۳۴۵-۳۴۶-۳۴۷-۳۴۸-۳۴۹-۳۵۰-۳۵۱-۳۵۲-۳۵۳-۳۵۴-۳۵۵-۳۵۶-۳۵۷-۳۵۸-۳۵۹-۳۶۰-۳۶۱-۳۶۲-۳۶۳-۳۶۴-۳۶۵-۳۶۶-۳۶۷-۳۶۸-۳۶۹-۳۷۰-۳۷۱-۳۷۲-۳۷۳-۳۷۴-۳۷۵-۳۷۶-۳۷۷-۳۷۸-۳۷۹-۳۸۰-۳۸۱-۳۸۲-۳۸۳-۳۸۴-۳۸۵-۳۸۶-۳۸۷-۳۸۸-۳۸۹-۳۹۰-۳۹۱-۳۹۲-۳۹۳-۳۹۴-۳۹۵-۳۹۶-۳۹۷-۳۹۸-۳۹۹-۴۰۰-۴۰۱-۴۰۲-۴۰۳-۴۰۴-۴۰۵-۴۰۶-۴۰۷-۴۰۸-۴۰۹-۴۱۰-۴۱۱-۴۱۲-۴۱۳-۴۱۴-۴۱۵-۴۱۶-۴۱۷-۴۱۸-۴۱۹-۴۲۰-۴۲۱-۴۲۲-۴۲۳-۴۲۴-۴۲۵-۴۲۶-۴۲۷-۴۲۸-۴۲۹-۴۳۰-۴۳۱-۴۳۲-۴۳۳-۴۳۴-۴۳۵-۴۳۶-۴۳۷-۴۳۸-۴۳۹-۴۴۰-۴۴۱-۴۴۲-۴۴۳-۴۴۴-۴۴۵-۴۴۶-۴۴۷-۴۴۸-۴۴۹-۴۵۰-۴۵۱-۴۵۲-۴۵۳-۴۵۴-۴۵۵-۴۵۶-۴۵۷-۴۵۸-۴۵۹-۴۶۰-۴۶۱-۴۶۲-۴۶۳-۴۶۴-۴۶۵-۴۶۶-۴۶۷-۴۶۸-۴۶۹-۴۷۰-۴۷۱-۴۷۲-۴۷۳-۴۷۴-۴۷۵-۴۷۶-۴۷۷-۴۷۸-۴۷۹-۴۸۰-۴۸۱-۴۸۲-۴۸۳-۴۸۴-۴۸۵-۴۸۶-۴۸۷-۴۸۸-۴۸۹-۴۹۰-۴۹۱-۴۹۲-۴۹۳-۴۹۴-۴۹۵-۴۹۶-۴۹۷-۴۹۸-۴۹۹-۵۰۰-۵۰۱-۵۰۲-۵۰۳-۵۰۴-۵۰۵-۵۰۶-۵۰۷-۵۰۸-۵۰۹-۵۱۰-۵۱۱-۵۱۲-۵۱۳-۵۱۴-۵۱۵-۵۱۶-۵۱۷-۵۱۸-۵۱۹-۵۲۰-۵۲۱-۵۲۲-۵۲۳-۵۲۴-۵۲۵-۵۲۶-۵۲۷-۵۲۸-۵۲۹-۵۳۰-۵۳۱-۵۳۲-۵۳۳-۵۳۴-۵۳۵-۵۳۶-۵۳۷-۵۳۸-۵۳۹-۵۴۰-۵۴۱-۵۴۲-۵۴۳-۵۴۴-۵۴۵-۵۴۶-۵۴۷-۵۴۸-۵۴۹-۵۵۰-۵۵۱-۵۵۲-۵۵۳-۵۵۴-۵۵۵-۵۵۶-۵۵۷-۵۵۸-۵۵۹-۵۶۰-۵۶۱-۵۶۲-۵۶۳-۵۶۴-۵۶۵-۵۶۶-۵۶۷-۵۶۸-۵۶۹-۵۷۰-۵۷۱-۵۷۲-۵۷۳-۵۷۴-۵۷۵-۵۷۶-۵۷۷-۵۷۸-۵۷۹-۵۸۰-۵۸۱-۵۸۲-۵۸۳-۵۸۴-۵۸۵-۵۸۶-۵۸۷-۵۸۸-۵۸۹-۵۹۰-۵۹۱-۵۹۲-۵۹۳-۵۹۴-۵۹۵-۵۹۶-۵۹۷-۵۹۸-۵۹۹-۶۰۰-۶۰۱-۶۰۲-۶۰۳-۶۰۴-۶۰۵-۶۰۶-۶۰۷-۶۰۸-۶۰۹-۶۱۰-۶۱۱-۶۱۲-۶۱۳-۶۱۴-۶۱۵-۶۱۶-۶۱۷-۶۱۸-۶۱۹-۶۲۰-۶۲۱-۶۲۲-۶۲۳-۶۲۴-۶۲۵-۶۲۶-۶۲۷-۶۲۸-۶۲۹-۶۳۰-۶۳۱-۶۳۲-۶۳۳-۶۳۴-۶۳۵-۶۳۶-۶۳۷-۶۳۸-۶۳۹-۶۴۰-۶۴۱-۶۴۲-۶۴۳-۶۴۴-۶۴۵-۶۴۶-۶۴۷-۶۴۸-۶۴۹-۶۵۰-۶۵۱-۶۵۲-۶۵۳-۶۵۴-۶۵۵-۶۵۶-۶۵۷-۶۵۸-۶۵۹-۶۶۰-۶۶۱-۶۶۲-۶۶۳-۶۶۴-۶۶۵-۶۶۶-۶۶۷-۶۶۸-۶۶۹-۶۷۰-۶۷۱-۶۷۲-۶۷۳-۶۷۴-۶۷۵-۶۷۶-۶۷۷-۶۷۸-۶۷۹-۶۸۰-۶۸۱-۶۸۲-۶۸۳-۶۸۴-۶۸۵-۶۸۶-۶۸۷-۶۸۸-۶۸۹-۶۹۰-۶۹۱-۶۹۲-۶۹۳-۶۹۴-۶۹۵-۶۹۶-۶۹۷-۶۹۸-۶۹۹-۷۰۰-۷۰۱-۷۰۲-۷۰۳-۷۰۴-۷۰۵-۷۰۶-۷۰۷-۷۰۸-۷۰۹-۷۱۰-۷۱۱-۷۱۲-۷۱۳-۷۱۴-۷۱۵-۷۱۶-۷۱۷-۷۱۸-۷۱۹-۷۲۰-۷۲۱-۷۲۲-۷۲۳-۷۲۴-۷۲۵-۷۲۶-۷۲۷-۷۲۸-۷۲۹-۷۳۰-۷۳۱-۷۳۲-۷۳۳-۷۳۴-۷۳۵-۷۳۶-۷۳۷-۷۳۸-۷۳۹-۷۴۰-۷۴۱-۷۴۲-۷۴۳-۷۴۴-۷۴۵-۷۴۶-۷۴۷-۷۴۸-۷۴۹-۷۵۰-۷۵۱-۷۵۲-۷۵۳-۷۵۴-۷۵۵-۷۵۶-۷۵۷-۷۵۸-۷۵۹-۷۶۰-۷۶۱-۷۶۲-۷۶۳-۷۶۴-۷۶۵-۷۶۶-۷۶۷-۷۶۸-۷۶۹-۷۷۰-۷۷۱-۷۷۲-۷۷۳-۷۷۴-۷۷۵-۷۷۶-۷۷۷-۷۷۸-۷۷۹-۷۸۰-۷۸۱-۷۸۲-۷۸۳-۷۸۴-۷۸۵-۷۸۶-۷۸۷-۷۸۸-۷۸۹-۷۹۰-۷۹۱-۷۹۲-۷۹۳-۷۹۴-۷۹۵-۷۹۶-۷۹۷-۷۹۸-۷۹۹-۸۰۰-۸۰۱-۸۰۲-۸۰۳-۸۰۴-۸۰۵-۸۰۶-۸۰۷-۸۰۸-۸۰۹-۸۱۰-۸۱۱-۸۱۲-۸۱۳-۸۱۴-۸۱۵-۸۱۶-۸۱۷-۸۱۸-۸۱۹-۸۲۰-۸۲۱-۸۲۲-۸۲۳-۸۲۴-۸۲۵-۸۲۶-۸۲۷-۸۲۸-۸۲۹-۸۳۰-۸۳۱-۸۳۲-۸۳۳-۸۳۴-۸۳۵-۸۳۶-۸۳۷-۸۳۸-۸۳۹-۸۴۰-۸۴۱-۸۴۲-۸۴۳-۸۴۴-۸۴۵-۸۴۶-۸۴۷-۸۴۸-۸۴۹-۸۵۰-۸۵۱-۸۵۲-۸۵۳-۸۵۴-۸۵۵-۸۵۶-۸۵۷-۸۵۸-۸۵۹-۸۶۰-۸۶۱-۸۶۲-۸۶۳-۸۶۴-۸۶۵-۸۶۶-۸۶۷-۸۶۸-۸۶۹-۸۷۰-۸۷۱-۸۷۲-۸۷۳-۸۷۴-۸۷۵-۸۷۶-۸۷۷-۸۷۸-۸۷۹-۸۸۰-۸۸۱-۸۸۲-۸۸۳-۸۸۴-۸۸۵-۸۸۶-۸۸۷-۸۸۸-۸۸۹-۸۹۰-۸۹۱-۸۹۲-۸۹۳-۸۹۴-۸۹۵-۸۹۶-۸۹۷-۸۹۸-۸۹۹-۹۰۰-۹۰۱-۹۰۲-۹۰۳-۹۰۴-۹۰۵-۹۰۶-۹۰۷-۹۰۸-۹۰۹-۹۱۰-۹۱۱-۹۱۲-۹۱۳-۹۱۴-۹۱۵-۹۱۶-۹۱۷-۹۱۸-۹۱۹-۹۲۰-۹۲۱-۹۲۲-۹۲۳-۹۲۴-۹۲۵-۹۲۶-۹۲۷-۹۲۸-۹۲۹-۹۳۰-۹۳۱-۹۳۲-۹۳۳-۹۳۴-۹۳۵-۹۳۶-۹۳۷-۹۳۸-۹۳۹-۹۴۰-۹۴۱-۹۴۲-۹۴۳-۹۴۴-۹۴۵-۹۴۶-۹۴۷-۹۴۸-۹۴۹-۹۵۰-۹۵۱-۹۵۲-۹۵۳-۹۵۴-۹۵۵-۹۵۶-۹۵۷-۹۵۸-۹۵۹-۹۶۰-۹۶۱-۹۶۲-۹۶۳-۹۶۴-۹۶۵-۹۶۶-۹۶۷-۹۶۸-۹۶۹-۹۷۰-۹۷۱-۹۷۲-۹۷۳-۹۷۴-۹۷۵-۹۷۶-۹۷۷-۹۷۸-۹۷۹-۹۸۰-۹۸۱-۹۸۲-۹۸۳-۹۸۴-۹۸۵-۹۸۶-۹۸۷-۹۸۸-۹۸۹-۹۹۰-۹۹۱-۹۹۲-۹۹۳-۹۹۴-۹۹۵-۹۹۶-۹۹۷-۹۹۸-۹۹۹-۱۰۰۰-۱۰۰۱-۱۰۰۲-۱۰۰۳-۱۰۰۴-۱۰۰۵-۱۰۰۶-۱۰۰۷-۱۰۰۸-۱۰۰۹-۱۰۱۰-۱۰۱۱-۱۰۱۲-۱۰۱۳-۱۰۱۴-۱۰۱۵-۱۰۱۶-۱۰۱۷-۱۰۱۸-۱۰۱۹-۱۰۲۰-۱۰۲۱-۱۰۲۲-۱۰۲۳-۱۰۲۴-۱۰۲۵-۱۰۲۶-۱۰۲۷-۱۰۲۸-۱۰۲۹-۱۰۳۰-۱۰۳۱-۱۰۳۲-۱۰۳۳-۱۰۳۴-۱۰۳۵-۱۰۳۶-۱۰۳۷-۱۰۳۸-۱۰۳۹-۱۰۴۰-۱۰۴۱-۱۰۴۲-۱۰۴۳-۱۰۴۴-۱۰۴۵-۱۰۴۶-۱۰۴۷-۱۰۴۸-۱۰۴۹-۱۰۵۰-۱۰۵۱-۱۰۵۲-۱۰۵۳-۱۰۵۴-۱۰۵۵-۱۰۵۶-۱۰۵۷-۱۰۵۸-۱۰۵۹-۱۰۶۰-۱۰۶۱-۱۰۶۲-۱۰۶۳-۱۰۶۴-۱۰۶۵-۱۰۶۶-۱۰۶۷-۱۰۶۸-۱۰۶۹-۱۰۷۰-۱۰۷۱-۱۰۷۲-۱۰۷۳-۱۰۷۴-۱۰۷۵-۱۰۷۶-۱۰۷۷-۱۰۷۸-۱۰۷۹-۱۰۸۰-۱۰۸۱-۱۰۸۲-۱۰۸۳-۱۰۸۴-۱۰۸۵-۱۰۸۶-۱۰۸۷-۱۰۸۸-۱۰۸۹-۱۰۹۰-۱۰۹۱-۱۰۹۲-۱۰۹۳-۱۰۹۴-۱۰۹۵-۱۰۹۶-۱۰۹۷-۱۰۹۸-۱۰۹۹-۱۱۰۰-۱۱۰۱-۱۱۰۲-۱۱۰۳-۱۱۰۴-۱۱۰۵-۱۱۰۶-۱۱۰۷-۱۱۰۸-۱۱۰۹-۱۱۱۰-۱۱۱۱-۱۱۱۲-۱۱۱۳-۱۱۱۴-۱۱۱۵-۱۱۱۶-۱۱۱۷-۱۱۱۸-۱۱۱۹-۱۱۲۰-۱۱۲۱-۱۱۲۲-۱۱۲۳-۱۱۲۴-۱۱۲۵-۱۱۲۶-۱۱۲۷-۱۱۲۸-۱۱۲۹-۱۱۳۰-۱۱۳۱-۱۱۳۲-۱۱۳۳-۱۱۳۴-۱۱۳۵-۱۱۳۶-۱۱۳۷-۱۱۳۸-۱۱۳۹-۱۱۴۰-۱۱۴۱-۱۱۴۲-۱۱۴۳-۱۱۴۴-۱۱۴۵-۱۱۴۶-۱۱۴۷-۱۱۴۸-۱۱۴۹-۱۱۵۰-۱۱۵۱-۱۱۵۲-۱۱۵۳-۱۱۵۴-۱۱۵۵-۱۱۵۶-۱۱۵۷-۱۱۵۸-۱۱۵۹-۱۱۶۰-۱۱۶۱-۱۱۶۲-۱۱۶۳-۱۱۶۴-۱۱۶۵-۱۱۶۶-۱۱۶۷-۱۱۶۸-۱۱۶۹-۱۱۷۰-۱۱۷۱-۱۱۷۲-۱۱۷۳-۱۱۷۴-۱۱۷۵-۱۱۷۶-۱۱۷۷-۱۱۷۸-۱۱۷۹-۱۱۸۰-۱۱۸۱-۱۱۸۲-۱۱۸۳-۱۱۸۴-۱۱۸۵-۱۱۸۶-۱۱۸۷-۱۱۸۸-۱۱۸۹-۱۱۹۰-۱۱۹۱-۱۱۹۲-۱۱۹۳-۱۱۹۴-۱۱۹۵-۱۱۹۶-۱۱۹۷-۱۱۹۸-۱۱۹۹-۱۲۰۰-۱۲۰۱-۱۲۰۲-۱۲۰۳-۱۲۰۴-۱۲۰۵-۱۲۰۶-۱۲۰۷-۱۲۰۸-۱۲۰۹-۱۲۱۰-۱۲۱۱-۱۲۱۲-۱۲۱۳-۱۲۱۴-۱۲۱۵-۱۲۱۶-۱۲۱۷-۱۲۱۸-۱۲۱۹-۱۲۲۰-۱۲۲۱-۱۲۲۲-۱۲۲۳-۱۲۲۴-۱۲۲۵-۱۲۲۶-۱۲۲۷-۱۲۲۸-۱۲۲۹-۱۲۳۰-۱۲۳۱-۱۲۳۲-۱۲۳۳-۱۲۳۴-۱۲۳۵-۱۲۳۶-۱۲۳۷-۱۲۳۸-۱۲۳۹-۱۲۴۰-۱۲۴۱-۱۲۴۲-۱۲۴۳-۱۲۴۴-۱۲۴۵-۱۲۴۶-۱۲۴۷-۱۲۴۸-۱۲۴۹-۱۲۵۰-۱۲۵۱-۱۲۵۲-۱۲۵۳-۱۲۵۴-۱۲۵۵-۱۲۵۶-۱۲۵۷-۱۲۵۸-۱۲۵۹-۱۲۶۰-۱۲۶۱-۱۲۶۲-۱۲۶۳-۱۲۶۴-۱۲۶۵-۱۲۶۶-۱۲۶۷-۱۲۶۸-۱۲۶۹-۱۲۷۰-۱۲۷۱-۱۲۷۲-۱۲۷۳-۱۲۷۴-۱۲۷۵-۱۲۷۶-۱۲۷۷-۱۲۷۸-۱۲۷۹-۱۲۸۰-۱۲۸۱-۱۲۸۲-۱۲۸۳-۱۲۸۴-۱۲۸۵-۱۲۸۶-۱۲۸۷-۱۲۸۸-۱۲۸۹-۱۲۹۰-۱۲۹۱-۱۲۹۲-۱۲۹۳-۱۲۹۴-۱۲۹۵-۱۲۹۶-۱۲۹۷-۱۲۹۸-۱۲۹۹-۱۳۰۰-۱۳۰۱-۱۳۰۲-۱۳۰۳-۱۳۰۴-۱۳۰۵-۱۳۰۶-۱۳۰۷-۱۳۰۸-۱۳۰۹-۱۳۱۰-۱۳۱۱-۱۳۱۲-۱۳۱۳-۱۳۱۴-۱۳۱۵-۱۳۱۶-۱۳۱۷-۱۳۱۸-۱۳۱۹-۱۳۲۰-۱۳۲۱-۱۳۲۲-۱۳۲۳-۱۳۲۴-۱۳۲۵-۱۳۲۶-۱۳۲۷-۱۳۲۸-۱۳۲۹-۱۳۳۰-۱۳۳۱-۱۳۳۲-۱۳۳۳-۱۳۳۴-۱۳۳۵-۱۳۳۶-۱۳۳۷-۱۳۳۸-۱۳۳۹-۱۳۴۰-۱۳۴۱-۱۳۴۲-۱۳۴۳-۱۳۴۴-۱۳۴۵-۱۳۴۶-۱۳۴۷-۱۳۴۸-۱۳۴۹-۱۳۵۰-۱۳۵۱-۱۳۵۲-۱۳۵۳-۱۳۵۴-۱۳۵۵-۱۳۵۶-۱۳۵۷-۱۳۵۸-۱۳۵۹-۱۳۶۰-۱۳۶۱-۱۳۶۲-۱۳۶۳-۱۳۶۴-۱۳۶۵-۱۳۶۶-۱۳۶۷-۱۳۶۸-۱۳۶۹-۱۳۷۰-۱۳۷۱-۱۳۷۲-۱۳۷۳-۱۳۷۴-۱۳۷۵-۱۳۷۶-۱۳۷۷-۱۳۷۸-۱۳۷۹-۱۳۸۰-۱۳۸۱-۱۳۸۲-۱۳۸۳-۱۳۸۴-۱۳۸۵-۱۳۸۶-۱۳۸۷-۱۳۸۸-۱۳۸۹-۱۳۹۰-۱۳۹۱-۱۳۹۲-۱۳۹۳-۱۳۹۴-۱۳۹۵-۱۳۹۶-۱۳۹۷-۱۳۹۸-۱۳۹۹-۱۴۰۰-۱۴۰۱-۱۴۰۲-۱۴۰۳-۱۴۰۴-۱۴۰۵-۱۴۰۶-۱۴۰۷-۱۴۰۸-۱۴۰۹-۱۴۱۰-۱۴۱۱-۱۴۱۲-۱۴۱۳-۱۴۱۴-۱۴۱۵-۱۴۱۶-۱۴۱۷-۱۴۱۸-۱۴۱۹-۱۴۲۰-۱۴۲۱-۱۴۲۲-۱۴۲۳-۱۴۲۴-۱۴۲۵-۱۴۲۶-۱۴۲۷-۱۴۲۸-۱۴۲۹-۱۴۳۰-۱۴۳۱-۱۴۳۲-۱۴۳۳-۱۴۳۴-۱۴۳۵-۱۴۳۶-۱۴۳۷-۱۴۳۸-۱۴۳۹-۱۴۴۰-۱۴۴۱-۱۴۴۲-۱۴۴۳-۱۴۴۴-۱۴۴۵-۱۴۴۶-۱۴۴۷-۱۴۴۸-۱۴۴۹-۱۴۵۰-۱۴۵۱-۱۴۵۲-۱۴۵۳-۱۴۵۴-۱۴۵۵-۱۴۵۶-۱۴۵۷-۱۴۵۸-۱۴۵۹-۱۴۶۰-۱۴۶۱-۱۴۶۲-۱۴۶۳-۱۴۶۴-۱۴۶۵-۱۴۶۶-۱۴۶۷-۱۴۶۸-۱۴۶۹-۱۴۷۰-۱۴۷۱-۱۴۷۲-۱۴۷۳-۱۴۷۴-۱۴۷۵-۱۴۷۶-۱۴۷۷-۱۴۷۸-۱۴۷۹-۱۴۸۰-۱۴۸۱-۱۴۸۲-۱۴۸۳-۱۴۸۴-۱۴۸۵-۱۴۸۶-۱۴۸۷-۱۴۸۸-۱۴۸۹-۱۴۹۰-۱۴۹۱-۱۴۹۲-۱۴۹۳-۱۴۹۴-۱۴۹۵-۱۴۹۶-۱۴۹۷-۱۴۹۸-۱۴۹۹-۱۵۰۰-۱۵۰۱-۱۵۰۲-۱۵۰۳-۱۵۰۴-۱۵۰۵-۱۵۰۶-۱۵۰۷-۱۵۰۸-۱۵۰۹-۱۵۱۰-۱۵۱۱-۱۵۱۲-۱۵۱۳-۱۵۱۴-۱۵۱۵-۱۵۱۶-۱۵۱۷-۱۵۱۸-۱۵۱۹-۱۵۲۰-۱۵۲۱-۱۵۲۲-۱۵۲۳-۱۵۲۴-۱۵۲۵-۱۵۲۶-۱۵۲۷-۱۵۲۸-۱۵۲۹-۱۵۳۰-۱۵۳۱-۱۵۳۲-۱۵۳۳-۱۵۳۴-۱۵۳۵-۱۵۳۶-۱۵۳

ابوالبرکات برای تبیین این مطلب از شیوه تمثیل استفاده می‌کند: همانطور که در خبر آمده است، خداوند اول حضرت آدم را خلق کرد و سپس حوا را از او و به خاطر او خلق کرد و از آدم و حوا و به خاطر این دو فرزندی ایجاد کرد. او سپس تصریح می‌کند که در اینجا مثل داستان حضرت آدم و حوا و تقدم و تاخر زمانی مطرح نیست، بلکه تقدم و تاخر رتبی مطرح است (همان، ۱۵۶۳-۱۵۷۳).

بغدادی برای اینکه فاعلیت حقیقی خداوند در پیدایش مخلوقات را تصویر کند از مثال دیگر استفاده می‌کند: روشنی و نور روز به طور تمام از خورشید است. روشنی دیواری که محاذی خورشید است و شعاع نورانی خورشید بر آن واقع می‌شود از خورشید است و به تبع آن روشنی اطایقی که محاذی آن دیوار است، نیز از خورشید است، منتها شدت نور خورشید کم کم ضعیف‌تر می‌شود و در جایی که سقف است یا در غارها این روشنی بسیار کم می‌شود. در این مثال نمی‌توان دیوار را علت بالذات نور و روشنایی دانست، بلکه این روشنایی و نور از خورشید است. به همین قیاس هر قدرت و فعل و به طور کلی هر آنچه بالفعل در این گیتی وجود دارد، (هستی و کمالاتش) از واجب الوجود بالذات است و غیر از حضرت حق، هیچ شیء یا کسی بهره‌ای از فاعلیت ندارد، بلکه تنها شاهد انفصال و قبول اتم (همان، ۱۶۳۳).

۲-۲- محمد حسین طباطبایی

طباطبایی از جمله حکیمان متأخری است که طرفدار گسستگی میان نظام فیض و هیات قدیم است. او نظام فیض را براساس سلسله طولی چنین تبیین می‌کند: در رأس سلسله هستی حضرت حق وجود دارد که از جمیع جهات واحد و بسیط است و هیچ جهت کثرت خارجی و حتی عقلی در او وجود ندارد. باید موجودی از او صادر شود که واحد و بسیط و واجد همه کمالات وجودی بالعرض نه بالذات است، یعنی وجود او ظل وجود واجب و نیازمند واجب است. بنابراین نقص و محدودیت در ذاتش راه یافته، به همین جهت رتبه وجودش پایین‌تر از رتبه حضرت حق است و به جهت ضعف رتبه وجودی، جهت کثرت

۱- فصلنامه صفر ۱۵۷ - ۱۵۸، دیوان، ص ۱۲۳، ص ۱۲۳

در او ظاهر می‌شود، اما این کثرت بدان حد نیست که سبب پیدایش عالم مادون عقل (عالم مثال) شود، به همین جهت باید عقول بعدی در رتبه‌های نازل‌تر صادر شوند تا زمینه برای پیدایش عالم مثال فراهم شود. به نظر طباطبایی، عالم مثال نه مجرد محض است و نه مادی صرف، بلکه عالمی متوسط میان آن دو می‌باشد. عالم مثال واجد برخی ویژگی‌های عالم ماده مثل کمیت، کیفیت، وضع، شکل و بعد است، اما از اصل ماده و برخی ویژگی‌های آن مثل قوه و استعداد، تغییر و حرکت منزه است و به اعتبار اخیر عالم مثال مجرد از ماده است و به همین اعتبار با عالم مافوقش، یعنی عالم عقل تقارب دارد و به اعتبار دارا بودن برخی ویژگی‌های عالم ماده با عالم دو مانش تقارب دارد، به همین جهت این عالم حد وسط میان عالم عقل و ماده است و به آن عالم برزخ اطلاق می‌شود. همچنین به این عالم از آن جهت که عالم مستقلی است، عالم خیال منفصل اطلاق می‌شود که در مقابل خیال متصل است که قائم به نفوس جزئیة متخیله است (همان، ص ۲۲۱-۲۲۳، ۲۲۳-۲۲۴).

الحکمه، ص ۱۹۲).
آخرین و پایین‌ترین عالم از حیث رتبه وجودی، عالم ماده است. موجودات مادی دارای قوه و استعدادند و در صورت مساعد بودن شرایط به تدریج این قوه استعدادهای آنها به فعلیت می‌رسد و ممکن است به خاطر برخی موانع، استعدادهای برخی از موجودات مادی به ظهور و فعلیت نرسد.

از نظر طباطبایی وحدت عالم ماده از نوع وحدت مکانیکی نیست، بلکه از نوع پیشرفته آن، وحدت شخصی، است و این عالم یک واحد به هم پیوسته و در حال سیلان و تغییر است و غایت حرکت مادی مجرد نام است. چون جوهر و ذات عالم مادی عین تجدد و تغییر است می‌تواند به عالم ثابت مرتبط باشد. (همان، ص ۲۲۲-۲۲۳، ص ۲۲۳-۲۲۴، ص ۱۹۳-۱۹۴). طباطبایی بر این باور است که میان این سه عالم ترتیب علی وجود دارد، یعنی عالم عقول، علت عالم مثال و عالم علت عالم مادی است. به همین جهت رتبه عالم عقل برتر از عالم مثال و رتبه عالم مثال برتر از عالم ماده است (همان، ص ۱۸۵-۱۸۶).

۲- همو، نصاب الحکمه، صص ۲۲۲-۲۲۳، همو، نصاب الحکمه، صص ۱۹۳-۱۹۴
۳- همو، نصاب الحکمه، صص ۱۸۵-۱۸۶، همو، نصاب الحکمه، صص ۱۸۶-۱۸۷

نکته سوم. تفاوت نظریه طباطبایی با نظریه ابوالبرکات بغدادی با تأمل در سخنان ابوالبرکات بغدادی و تصریح خواجه نصیر الدین طوسی (فخرالدین و خواجه نصیر، شرح الاشارات، ۴۷۲-۴۸) در می‌یابیم که ابوالبرکات هیچ واسطه‌ای بین خدا و مخلوقات قائل نیست و خداوند را به عنوان فاعل مستقیم و بدون واسطه همه موجودات معرفی می‌کند و سلسله طولی و سلسله عرضی در میان خدا و مخلوقات را به صورت کلی نفی می‌کند. برخلاف او طباطبایی به سلسله طولی میان خداوند و مخلوقات و سلسله عرضی میان مخلوقات قائل است.

نتیجه
در نظریه افلوطین به عنوان بنیانگذار نظام فیض هیچ پیوندی میان نظام فیض و طبیعیات و هیات قدیم مشاهده نمی‌شود، اما در میان حکیمان مسلمان ظاهراً نخستین بار فارابی میان نظام فیض و طبیعیات و هیات قدیم پیوند وثیقی برقرار کرد و این پیوند پیشنهادی فارابی، بعد از او مورد تأیید بسیاری از حکیمان پسین این سینا، اخوان الصفا، شیخ اشراق، ملاصدرا و... قرار گرفت (گرچه در جزئیات نظام فیض با فارابی اختلاف نظرهایی دارند). برخی از حکیمان مسلمان از جمله ابوالبرکات بغدادی - از حکیمان سلف - و طباطبایی - از حکیمان خلف - به این عمل فارابی با دیده اعتراض نگریستند و طرفدار گسستگی پیوند میان نظام فیض و طبیعیات قدیم‌اند.

کتابشناسی
اشتیانی، میرزا مهدی، اساس التوحید، تهران، موی، ۱۳۶۰ ش.
املسی، سید حیدر، نقد النقود فی معرفه الوجود، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی و انجمن ایران‌شناسی فرانسه، ۱۳۶۸ ش.
ابراهیمی دینانی، غلامحسین، ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، تهران، طرح نو، ۱۳۷۷ ش.

همو، عقلائییت و معنویت، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

اخوان الصفا، رسائل اخوان الصفا، بیروت، دار صادر.

ابن سینا، الشفاء الالهیات، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۳ ش.
۴۷-۴۸ - شرح الاشارات، ج ۱، ص ۴۷-۴۸

در تحلیل دیدگاه موافقان گسستگی نظام فیض با هیات قدیم به ذکر چند نکته بسنده می‌کنیم:

نکته اول. فارابی، اولین فیلسوفی است که میان نظام فیض افلوطین و هیات بطلمیوسی پیوند برقرار کرد و بر مبنای آن تبیین ویژه‌ای درباره عقول دهگانه و افلاک نه گانه ارائه کرد. این پیوند تا حد زیادی از سوی فیلسوفان پسین این سینا، شیخ اشراق و ملاصدرا مورد قبول قرار گرفت. اما این ادعا از سوی ابوالبرکات بغدادی و طباطبایی پذیرفته نشد. طباطبایی می‌گوید: بخشی از یافته‌های طبیعیات قدیم جزء جوهر و ذاتیات نظریه نظام فیض نیست، حال که با تحقیقات قوی صحت هیات بطلمیوس زیر سؤال رفت، نباید در پیوند این نظریه با نظام فیض اصرار کنیم. حذف پیوند هیات بطلمیوس و نظام فیض هیچ ضرری به نظریه نظام فیض نمی‌زند، زیرا چندین عالم - عقل، مثال و ماده - وجود دارد و میان این عوالم ترتیب علی وجود دارد. علاوه بر این نظام‌های موجود در این عوالم با یکدیگر هماهنگ است، زیرا علت همه کمال‌های معلول خویش را به نحو اعلی و اتم واجد است. بر این اساس عالم مثال همه کمال‌های عالم ماده را به نحو اعلی و اتم واجد است و به همین قیاس عالم عقل همه کمال‌های عالم مثال، و عالم ربوبی همه کمال‌های عالم عقول را به نحو اتم و اکمل داراست (ملاصدرا، الاسفار الاربعة، تعلیقه طباطبایی، ۱۰۹۷).

نکته دوم. شباهت نظریه طباطبایی، افلوطین و ابوالبرکات بغدادی، قبل از طباطبایی افلوطین نظام فیض را براساس سلسله مراتب چهارگانه (احد، ثانوس یا عقل، نفس و عالم طبیعت) تبیین کرد و ابوالبرکات بر این باور بود که خداوند از طریق تعقل ذاتش، موجود اول را خلق و از طریق تعقل صادر اول، موجود دوم را خلق می‌کند و به همین ترتیب موجودات یکی پس از دیگری از حضرت حق صادر می‌شوند.

افلوطین، ابوالبرکات و طباطبایی هر سه از آن حیث که پیوند میان نظام فیض و هیات بطلمیوس را گسسته‌اند، باهم مشترک‌اند. علاوه بر آن در نظریه افلوطین و طباطبایی رتبه دوم طولی به عقل و رتبه چهارم طولی به عالم طبیعت اختصاص دارد.

از مدار صدر الاستقامت، فصل فیض و تعقل، ص ۱۰۹

- همو، *الاشارات والتنبهات*، شرح خواجه نصیر الدین طوسی، تهران، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۳ق.
- همو، *المبدا والمعاد*، به اهتمام عبدالله نورانی، تهران، دانشگاه تهران، مؤسسه مطالعاتی دانشگاه مک گیل، ۱۳۶۳ش.
- ابن فناری، *مصباح الانس فی شرح مفتاح الغیب الجمع والوجوه*، فجر، ۱۳۶۳ش.
- ابوالبرکات بغدادی، *الکتاب المنتبر فی الحکمه*، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۳ش.
- خادمی، عین الله، «پیدایش کثیر از واحد (نظام فیض) از دیدگاه اخوان الصفا»، مقالات و بررسیها، ش ۱۳۷۵ (۳) ۱۲۸۳ش، ص ۱۲۷-۱۴۶.
- همو، «ظریه ملاصدرا درباره چگونگی پیدایش کثیر از واحد»، نامه مفید، نامه فلسفی، ج ۱، ش ۱.
- دشکی، غیاث الدین، *اشراق هیاکل النور لکشف ظلمات شواکل الغرور*، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۲ش.
- رازی، *فخرالدین، المباحث المشرقیه*، بیروت، دار الکتاب العربی، ۱۴۰۱ق.
- رازی، *فخرالدین، طوسی، خواجه نصیر، شرحی الاشارات*، قم، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۳ق.
- رحیمیان، سعید، *فیض وفاعلیت وجودی از فیلرطین تا صدر المآلهین*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱ش.
- سهروردی (شیخ اشراق)، *مجموعه مصنفات، المباحث والمطارحات*، تصحیح و مقدمه هنری کرین، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۹۷۶م.
- همو، *مجموعه مصنفات، التلویحات*، تصحیح و مقدمه هنری کرین، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۹۷۷م.

- همو، *مجموعه مصنفات، رساله فی اعتقاد الحکماء*، تصحیح و مقدمه هنری کرین، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۹۷۷م.
- همو، *مجموعه مصنفات، پرتونامه*، تصحیح حسین نصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳ش.
- همو، *مجموعه مصنفات، بستان القلوب یا روضه القلوب*، تصحیح حسین نصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳ش.
- همو، *مجموعه مصنفات، السواح عمادی*، تصحیح حسین نصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳ش.
- همو، *مجموعه مصنفات، یزدان شناخت*، تصحیح حسین نصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳ش.
- همو، *مجموعه مصنفات، المحمات*، تصحیح نجفعلی حبیبی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۰ش.
- ملاصدرا *مجموعه رسائل فلسفی*، «شواهد الربوبیه»، تهران، حکمت، پاییز ۱۳۷۵ش.
- همو، *المبدا و المعاد*، تهران، انجمن شاهنشاهی، فلسفه ایران، ۱۹۷۶م.
- همو، *الواردات القلیبه فی معرفه الربوبیه*، انجمن فلسفه ایران، ۱۳۱۸ش.
- همو، *شواهد الربوبیه*، تعلیقات حاج ملاهادی سبزواری، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۰ش.
- همو، *الاسفار الاربعه*، قم، مصطفوی، ۱۳۶۸ش.
- همو، *المشاعر*، با ترجمه بدیع الملک میرزا عماد الدوله، کتابخانه طهوری، ۱۳۶۳ش.
- شیرازی، قطب الدین، *شرح حکمه الاشراق*، تهران، دانشگاه تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل، ۱۳۸۰ش.
- شهرزوری، شمس الدین محمد، *شرح حکمه الاشراق*، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، ۱۳۷۳ش.

- طباطبایی، محمد حسین، *نهایه الحکمة*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعة المدرسين، ۱۴۰۴، ۱۲۶۲ ش.
- همو، *بداية الحکمة*، قم، نشر دانش اسلامي، ۱۴۰۴ ق.
- فارابی، کتاب *السیاسة المدنية*، بیروت، دار و مكتبة الهلال، ۱۹۹۶ م.
- همو، *آراء اهل المدينة الفاضلة و مضاداتها*، بیروت، دار و مكتبة الهلال، ۲۰۰۲ م.
- فلسوفین، دوره *انوار*، ترجمه محمد حسین لطفی، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۶ ش.
- زنوزی، آقاعلی، *بدايع الحكم*، الزهراء، ۱۳۷۶ ش.
- لاهیجی، گوهر مراد، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۷۷ ش.
- Merlan, Philip, "Emanation"; *The Encyclopedia of philosophy*, paul Edwards (ed), New York, Macmillan, P.7- 70.